

۱. دانشجوی کارشناسی گروه فقه و اصول، دانشکده معارف اسلامی و مطالعات زنان، جامعه المصطفی ﷺ العالمية، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ ، قم، ایران، manan.yousufy2021@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، جامعه المصطفی ﷺ العالمية، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ ، قم، ایران، Amir.amini13244@jmail.com

مقدمه

حرمت در لغت به معنای حرام بودن است و در اصطلاح، حکم به ترك فعل به صورت الزامی را حرمت می‌گویند که آن نیز به سبب مفسده‌ای است که در چیزی وجود دارد. در این میان، دین اسلام سفارش فراوانی بر رعایت حرمت مؤمن کرده و مصادیق بسیاری داشته است؛ از جمله حرمت مال، ناموس و جان؛ در عین حال، عده زیادی از انسان‌ها به دلایل مختلفی از جمله ناگاهی از جایگاه و عذاب‌های دنیوی و اخروی به همدیگر بی‌حرمتی کرده و این عمل برای آنان به صورت عادت درآمده است؛ لذا وظیفه سایرین آن است که در برابر این ناآگاهی ایستاده و به مردم توجه دهد که انسان از جایگاه و حرمتی عمیق نزد خداوند برخوردار است و بی‌توجهی به دستورات خداوند و موضوعاتی که برای راحتی و سعادت انسان مطرح نموده است، آسیب‌های دامنگیری برای انسان و جامعه اسلامی دارد.

در رابطه با همین موضوع، مقالات و آثار متنوعی به منظور بالا بردن سطح آگاهی مردم نوشته و منتشر شده است که تلاش می‌شود در این مقاله توصیفی، در حد توان به بحث و بررسی حرمت مؤمن در جان، مال و ناموس ایشان پرداخته و اثبات نمود که دین اسلام جایگاه و حرمت رفیعی حتی در کوچک‌ترین مسائل نسبت به انسان قائل است.

گونه‌شناسی حرمت مؤمن

زمانی که از کلیدواژه حرمت سخن رانده می‌شود، این حرمت و احترام گاهی دربرگیرنده اشیاء و مکان‌های مقدس است؛ برای مثال، در دین اسلام، قرآن کریم از حرمت والایی برخوردار است و احترام به آن واجب است و یا خانه خدا حرمت دارد و نباید به آن بی‌احترامی کرد؛ هم‌چنین اماکن مقدسه که منصوب به اهل بیت علیهم‌السلام هستند، از حرمت ویژه‌ای برخوردارند و بی‌احترامی به آن حرام است.

گاهی نیز این حرمت مربوط به انسان‌ها است؛ چرا که دین اسلام برای مقام و منزلت انسان‌ها اهمیت و احترام زیادی قائل است. از دیدگاه اسلامی جان انسان حرمت دارد، آبروی

انسان محترم است و حتی در همان لحظه‌ای که نطفه انسان منعقد و بسته می‌شود، اسلام برای آن حرمت و منزلت قائل است. این حرمت نه تنها در زمان حیات انسان، بلکه بعد از مرگ را نیز شامل می‌شود و کسی این حق را ندارد که بدون دلیل قبر میت را باز کند. هم‌چنین در دین اسلام مال و دارایی مؤمنین حرمت دارد و کسی حق غصب و تعدی به آن را ندارد. بر این اساس حرمت ابعاد مختلفی دارد که بنا به بررسی مسئله این پژوهش، تنها به سه مورد از مصادیق حرمت؛ مشتمل بر جان، مال و ناموس مؤمنین پرداخته می‌شود.

حرمت جان مؤمن

جان انسان از منظر قرآن کریم دارای اهمیت زیادی است. خداوند انسان‌ها را خلیفه خود در زمین می‌داند و او را به خود نسبت داده است؛ از این رو بی‌احترامی و بی‌حرمتی به جان انسان، بی‌حرمتی به خداوند است و گرفتن حق حیات و بی‌حرمتی به جان مؤمن از گناهان بزرگ و نابخشودنی است که از قدیم الایام و زمانی که برای اولین بار قابیل برادرش هابیل را به قتل رسانید، دامنگیر بشریت شده و این مسئله تا به امروز ادامه دارد تا جایی که روزانه صدها انسان، بی‌گناه و بدون دلیل کشته می‌شوند و موجبات بی‌حرمتی به انسان‌ها را فراهم نموده است. بی‌حرمتی به انسان و کشتن آن‌ها به قدری زشت شمرده شده که آن هنگام که فرشتگان متوجه شدند که خداوند می‌خواهد انسان را خلق کند، اعتراض کرده و عرضه داشتند:

«قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ...»؛ (بقره، آیه ۳۰) پروردگارا! می‌خواهی کسی را خلق کنی که باعث فساد و خونریزی در زمین می‌شود.

خداوند در پاسخ به فرشتگان، آن‌ها را متوجه جنبه‌های مثبت آدمی نمود. از طرف دیگر، منظور از حرمت جان مؤمن آن است که آسیب رساندن به بدن مؤمن حرام است و این حق برای هیچ انسانی وجود ندارد که به خود یا دیگران آسیب وارد کند؛ چه این آسیب‌ها حداقلی باشد، مثل خراش و سیلی و کمبودی و یا این آسیب‌ها حداکثری باشد، مثل قتل.

قرآن کریم هفتمین ویژگی بندگان مؤمن را چنین بیان می‌کند:
«وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ (فرقان، آیه ۶۸) و کسی را که خدا
[خونش را] حرام کرده، جز به حق نکشند.

در بعضی از آیات نیز مؤمنین را از کشتن نابحق دیگران منع کرده است و می‌فرماید:
«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ
سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ (اسراء، ۳۳) و کسی را که خداوند
[کشتن وی را] حرام کرده، نکشید جز به حق و هر کس به ستم کشته شود، به وارث او
تسلطی داده‌ایم، پس او نباید در [مکافات] قتل زیاده‌روی کند، همانا او حمایت شده است.

طبق این آیه، انسان مجاز به کشتن دیگری نیست؛ مگر زمانی که دلیلی موجه و متقن وجود
داشته باشد.

در منابع اهل سنت نیز از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده است:
خون هیچ مسلمانی که شهادت به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر اسلام می‌دهد، حلال
نیست؛ مگر سه گروه: قاتل، زانی محصن و آن کسی که دین خود را رها کند و از
جماعت مسلمین بیرون رود. (صحیح بخاری و صحیح مسلم، به نقل از: سید قطب،
۱۴۱۲، ج ۵: ۳۲۳)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حضرت در این روایت، به جز سه گروه کشتن بقیه را منع
کرده است.

به طور کلی، قتل انسان‌ها در تمامی ادیان و مکاتب زشت دانسته شده؛ اما در دین اسلام به
این قضیه به دلیل حرمتی که انسان دارد، بیشتر توجه شده و کشتن يك فرد را همانند کشتن همه
انسان‌ها می‌داند؛ هم‌چنان‌که نجات مؤمن از مرگ را همانند نجات همه مردم دانسته است.
قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛

(مانده، آیه ۳۲) بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آن که فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر کس نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.

با وجود این دستورات الهی و تأکید فراوان دین اسلام بر حرمت جان انسان‌ها، باز هم کسانی هستند که از دستورات خداوند سرپیچی کرده و از روی عمد دست به قتل انسان‌های بی‌گناه می‌زنند. چنین دسته‌ای را خداوند مورد سرزنش قرار داده و وعده عذاب‌های دردناک به آن‌ها داده است:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ (نساء، آیه ۹۳) هر که مؤمنی را عمداً بکشد، سزایش برای همیشه دوزخ است و خداوند بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برای او عذابی بزرگ مهیا کرده است.

بر اساس این آیه شریفه، کسانی که از دستورات خدا سرپیچی کرده و مرتکب قتل می‌شوند، جاودان در دوزخ باقی مانده و عذاب دردناکی انتظار آن‌ها را می‌کشد و این مجازات نه تنها در آخرت، بلکه در این دنیا نیز دامنگیر انسان می‌شود. خداوند کیفر دنیوی قاتل را قصاص تعیین کرده و می‌فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (بقره، آیه ۱۷۹) ای خردمندان! شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پرهیزکار شوید.

در بحث حرمت خون مؤمن، انسانی که کمک به آدم‌کشی به صورت غیر مستقیم و دور می‌کند نیز گناهکار و شریک جرم است؛ حتی اگر کمک او در حد يك کلمه باشد.

نقل شده که سه نفر را به محضر امام علی علیه السلام آورده و گفتند: یکی از این افراد شاهد قتل بوده و دیگری شخص مقتول را محکم نگه داشته و سومی کسی است که قتل را انجام داده است. حضرت چنین حکم کرد: نگه‌دارنده را زندانی کنید تا در زندان بمیرد، قاتل را اعدام کنید و چشم کسی که منظره را دیده و تماشا کرده و جلوگیری ننموده، میل بکشید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۳۸۶)

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در روز قیامت مردی را نزد مرد دیگر می‌آورند مرد اول، مرد دوم را به خون رنگین می‌کند، مرد دوم می‌گوید: چرا مرا آلوده به خون کردی؟ مرد اول جواب می‌دهد: [تو فلان روز، فلان کلمه را در مورد من گفتی و آن موجب ریختن خون من شد]، امروز باید جوابگو باشی. (صدوق، ۱۴۰۶: ۶۳۴)

از این روایات مشخص می‌شود که اسلام چه حرمتی برای خون انسان قائل بوده که حتی کسانی را که کوچکترین دخالتی در مرگ او دارند، مجازات و شریک جرم می‌داند. دین اسلام حتی برای جنینی که هنوز به دنیا نیامده و مراحل اولیه رشد را در رحم مادر سپری می‌کند، ارزش و حرمت قائل است و اجازه بی‌حرمتی و گرفتن حق حیات او را به کسی نمی‌دهد؛ مگر در مواردی که پزشک، سلامتی مادر را در خطر ببیند؛ چرا که جنین نیز موجود زنده بوده و اگر کسی حق حیاتش را از او سلب کند، مرتکب گناه شده و باید دیه پرداخت کند. خداوند در قران کریم می‌فرماید:

- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»؛ (اسراء، آیه ۳۱) فرزندان خود را از فقر نکشید، ما به شما رزق می‌دهیم.
- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْسَرْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

پژوهشی بر مسئله حرمت مؤمن ... ۱۷

(ممتحنه، آیه ۱۲) ای پیامبر! چون زنان با ایمان نزد تو آیند که با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالف فرمان تو نکنند.

بنابراین، دین اسلام نه تنها اجازه قتل دیگران را بدون دلیل نمی‌دهد؛ بلکه اجازه رساندن کوچکترین آسیبی به دیگران، مثل خراش و کبودی و زخم را نیز نمی‌دهد و اگر کسی مرتکب شد، باید جبران کرده و دیه پرداخت کند.

تمامی این تأکیدات نشان از جایگاه رفیع انسان از منظر پروردگار است و این که کسی حق ندارد جان دیگری را بدون دلیل بگیرد و یا آسیبی به او وارد کند.

حرمت مال مؤمن

منظور از حرمت مال مؤمن، مصونیت اموال او از تصرف و تعدی است. تصاحب و تجاوز به اموال مردم نه تنها جایز نیست؛ بلکه شخص غاصب نسبت به کاری که کرده، مسئول و ضامن است و باید بهایش را پرداخته و جبران کند؛ لذا غصب و بی‌حرمتی به مال مردم از زشت‌ترین اعمال بوده که مانع سعادت شخص می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ (نساء، آیه ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر این که تجارتی باشد که با رضایت شما انجام گیرد.

این آیه به صراحت تعدی و بی‌حرمتی به مال مردم را منع کرده و تنها زمانی اجازه استفاده از آن را برای فرد مجاز می‌شمارد که صاحب آن رضایت داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز حرمت

مال مؤمن را در ردیف احترام به خون آن‌ها قرار داده و همان‌طور که خون انسان حرمت و ارزش دارد و کسی حق بی‌احترامی به جان او را ندارد، در مورد مال نیز به همان شدت تعرض به مال مردم را منع کرده و به کسی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد و می‌فرماید:

«حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۶۸، باب سباب المؤمن)
حرمت مال مسلمان هم‌چون حرمت خون اوست.

همان‌طور که فرد اگر به جان آدمی تعدی کند، مجازات می‌شود؛ تعدی به مال او نیز موجب مجازات متعدی در دنیا می‌شود. خداوند می‌فرماید:

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (مائده، آیه ۳۸) دست مرد و زن دزد را به سزای کاری که کرده‌اند، به عنوان يك مجازات الهی قطع کنید و خدا توانای حکیم است.

بیان این نکته لازم است که دین اسلام دامنه حرمت مال مؤمن را وسیع‌تر از آن می‌داند که به آن تعدی نشود و بر این نظر است که اگر مال دیگری پیدا شد، کسی حق تعدی به آن را ندارد و نسبت به مال پیدا شده، مسئولیت وجود دارد.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بهترین کار انسان در این باره [لقطه] این است که از زمین بردارد و دست به آن نزند
(صدوق، ۱۴۰۵، ج ۳: ۱۹۰)

در عین حال، اگر آن مال را برداشت، باید تمام تلاشش را بکند که به مالک بازگرداند و در صورتی که نتواند صاحبش را پیدا کند، باید از طرف او مال پیدا شده را صدقه بدهد.
این تعدی به مال دیگران، در بعضی مواقع از مصادیق بی‌حرمتی و تعدی به مال یتیم می‌شود که از گناهان کبیره بوده و خداوند وعده آتش داده است:

پژوهشی بر مسئله حرمت مؤمن ... ۱۹

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ (نساء، آیه ۹) کسانی که اموال یتیمان را به ناحق تصرف می‌کنند، در حقیقت آتش خورده‌اند و به زودی به آتش سوزانی می‌سوزند.

در جای دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

در شب معراج جمعی را دیدم که شکم‌هایشان از آتش پر بود و از عقب ایشان بیرون می‌آمد، از جبرئیل پرسیدم این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: خورندگان مال یتیم به ناحق. (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۴۸، کتاب التجارة، باب ۷۰)

آیات و روایاتی که در رابطه با مال یتیم است، به صورت تکان‌دهنده‌ای مطلب را بیان می‌کند که کم و زیان بودن مال غصب شده چیزی از عذاب و اثرات آن کم نمی‌کند.

حرمت ناموس مؤمن

حرمت ناموس فقط در مسائل جنسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل شخصیت اجتماعی افراد نیز می‌شود. دین اسلام بر این اعتقاد است که اشخاص احترام و حرمت دارند و کسی حق ندارد حرمت و جایگاه اجتماعی سایر انسان‌ها را از بین ببرد؛ لذا در اسلام آن‌چه که موجب بی‌حرمتی و ضایع شدن شخصیت اجتماعی انسان می‌شود، حرام شمرده شده است که می‌توان موارد زیر را از مصادیق آن برشمرد:

۱. غیبت: از سرمایه‌های بزرگ انسانی حیثیت، آبرو و شخصیت اوست و کسی که بخواهد این سرمایه را به خطر بیندازد، مانند این است که جان او را به خطر انداخته که این عمل حرام می‌باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: درهمی که انسان از ربا به دست می‌آورد، گناهش نزد خداوند از ۶۳ زنا بزرگتر است و از هر ربا بالاتر، آبروی مسلمان است. (فیض کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۵: ۲۵۳)

هر کس برای عیب‌جویی و فاش کردن اسرار برادر دینی‌اش قدم بردارد، اولین قدم او ورود به جهنم خواهد بود و خداوند اسرار و عیوب او را نزد همه خلاق فاش و علنی خواهد ساخت. (توسرکانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۴۱)

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: فاش کردن عیوب و رازهای يك مؤمن بر دیگر مؤمنان حرام است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۳)

۲. تهمت: یعنی کسی که عیبی را ندارد یا کاری را نکرده؛ اما متهم به انجام آن کار یا داشتن آن صفت شود. تهمت زدن موجب می‌شود جایگاه، شخصیت و حرمتی که افراد در جامعه دارند از بین رفته و باعث بی‌آبرویی می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ (نساء، آیه ۱۱۲) هر که گناهی کند به خود زیان رسانده و خدا دانا و کارش از روی حکمت است.

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (حج، آیه ۳۸) همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، زیرا خدا هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

پس کسی را که خداوند مدافع اوست، چگونه انسان به خود جرئت می‌دهد که پرده‌اش را بدرد و رازش را فاش کند یا عیبش را آشکار سازد و یا بی‌دلیل به او تهمت وارد نموده و آبروی او را بریزد و به حیثیت او صدمه برساند.

۳. مسخره کردن: یکی دیگر از عواملی که باعث بی‌حرمتی و تخریب شخصیت اجتماعی افراد می‌شود، مسخره کردن است که اشخاص به دلیل بی‌اعتبار کردن دیگران یا با نشاط کردن مجلس و به خنده آوردن بقیه با تقلید راه رفتن، سخن گفتن، غذا خوردن، اشاره و... شخصیت و حرمت افراد را زیر سؤال می‌برد.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (حجر، آیه ۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آن‌ها که مورد استهزا واقع می‌شوند، بهتر از مسخره کننده باشد.

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (توبه، آیه ۷۹) کسانی که از صدقات مؤمنان اطاعت کار عیب‌جویی می‌کنند و آن‌هایی را که دسترسی جز به مقدار [ناچیز] توانایی‌شان ندارند مسخره می‌نمایند، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و برای آنان عذاب دردناکی است.

در نقطه مقابل، خداوند کسانی را که از شخصیت و جایگاه برادر دینی خود دفاع می‌کنند، مشمول رحمت خویش قرار داده است. در روایتی از پیامبر رحمت ﷺ چنین آمده است: کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند، برای او هفتاد هزار سپر از آتش جهنم خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۲۵۳)

در روایت دیگری، امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: کسی که در نزد او يك مؤمنی خوار و محقر گردد و او بتواند یاری کند و یاری نکند، خداوند او را در روز قیامت در برابر همه خلائق، خوار خواهد نمود. (تویرکانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۳۱)

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در گزاره‌های زیر و در قالب نتیجه‌گیری ده‌گانه به شرح زیر بیان نمود:

- دین اسلام به تمامی ابعاد زندگی، جایگاه و حرمت مؤمن ارزش زیادی داده است که همه انسان‌ها موظف هستند به آن‌ها احترام گذاشته و بی‌حرمتی نکنند.
- در اسلام جان مؤمن حرمت دارد و کسی حق گرفتن حق حیات از دیگری را ندارد.
- در اسلام تنها در مورد قصاص این حق را به مردم [حاکم شرع] داده است.
- جنین دارای حرمت بوده؛ چرا که او نیز موجودی زنده بوده و کسی حق بی‌حرمتی و گرفتن حیات او را مگر در مورد بیان شده ندارد.
- کسانی که به قاتل کمک می‌کنند، حتی به اندازه یک کلمه و این عمل باعث بی‌حرمتی به مؤمنی شود، از مصادیق شریک جرم است.
- خداوند کسانی که حرمت جان مردم را نگه نداشتند، لعنت نموده و مجازات می‌کند.
- در اسلام کسی حق تعرض به مال مردم را ندارد؛ چرا که دارای حرمت است.
- کسی که به مال مردم صدمه وارد می‌کند، موظف به جبران آن و طلب حلالیت است.
- شخصیت و جایگاه اجتماعی مؤمن دارای حرمت بوده و کسی حق بی‌آبرو کردن و فاش کردن راز بقیه و مسخره مردن مؤمن را ندارد.
- کسانی که دستورات و نواهی خداوند را رعایت نکرده و مرتکب بی‌حرمتی به جان، مال و ناموس مؤمن دیگری می‌شوند، مرتکب عمل حرام شده و خداوند عذاب خوارکننده‌ای برای آن‌ها مهیا کرده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۶). ثواب الأعمال وعقاب الأعمال. قم: منشورات دار الرضی.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۵). من لا یحضره الفقیه. بیروت: دار الأضواء.
۴. تویسرکانی، محمد نبی (۱۴۱۵). لئالی الأخبار. قم: مکتبة العلامة.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). وسائل الشیعة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. سید قطب، إبراهیم حسین (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. الطبعة السابعة عشر. بیروت: دار الشروق.
۷. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۳۹). المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحياء. تهران: کتابفروشی صدوق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. به تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.